

ایتمه فسا و مطبوعات ارجحیت؟

از آبادان منوچهر دبداری  
دانش آموز سال ششم طبیعی

مسئله گاری اولیاء و رومو دجوتی، «دین ان چر ایود»

من اگر خواهم درباره علل اصلی فساد قلم فرسائی کنم باید وقت کمی ساعت ها وقت لازم است ، ولی چکنه هیندوز باید بگویم : من هر وقت مجلات کثیف و گمراه کننده را در دست این جوانان اودیالی ماب مشاهده میکنم انوس میخورم که بعایت این جوانان زیگول باید گریست ؛ در کشور اسلامی و مرکز تشیع که دستگاه تبلیغاتی وادوب آن حتی برای پناه هم که باشد لاقبل روزی دو ساعت بر لغة مذهبی ندارد ؛ نباید پیش از این نوع انتظاری داشت .

ایتمه مسلم است که مطبوعات هم دوشادوش آن باعمال کثیف و غیر انسانی خود ادامه میدهند و اما طبقه جوان و تحصیل کرده این مملکت هم که در یک چنین محیط آلوده وی نشو و بارز گذشته برای تفریح و سرگرمی هم که شده ، مرتباً از این مجلات خریداری کرده ؛ تا خود را بدینوسیله سرگرم و مشغول سازند مخصوصاً شاهنشاه اندم مجلات ما هم که ولسا در راه تقلید گور کودانه از ادویاتیان را در اطراف رالی میبند ؛ روزی روزی میکنند بیروسیله و بهر حال غلامی که شده دستخزه تا بلکه روز بروز بیشتر یان خود افزوده و از این راه مشروع بتوانند انواع و اقسام کتلهای آسناخرات و کاد پلاکهای آخرین سیستم تهیه نموده و بر نفوذ قدرت خود نیز ایست ؛

و اما عامل اصلی فساد ؛ تا اینجا که ملاحظه فرمودید مطلب دوشن شد که مطبوعات برای جلب مشتریان و منفعت شخصی خود در زمینه جوان هم براسطه نبودن روزنامه های سودمند و مفید برای تفریح و سرگرمی هم که شده لاقبل بخرند گرچه پیشکلمه هم از آن مطالعه ننمایند دستمیزند .

با کمال تأثر و تأسف باید اعتراف کرد که اولیای امور و دستگاه مجری قوانین در این

بازه گوناومی میباشد و اگر این گوناومی و چشم پوشی آنها در دین نبود حتماً وضع مطبوعات بسیار بسیار بهتر از وضع فعلی بود ، زیرا اینها از آزادی قلم و حیات دیگر کمال سوء استفاده را کرده ؛ عمل غیر انسانی خود روز بروز ادامه میدهند .

کشور تشیع و انما باید از لحاظ علم ، ادب ، باطنی بودن سفیدات دینی و سایر مزایای انسانی برخوردار و نمونه مسالک دوی زمین باشد ؛ اما مسافانه هر روز بی حیائی ، وی ناموسی ، وطن فروش و بی دینی و سایر صفات مذموم در آن زیادتر میشود ؛ و مورد سوزش و تاسف و ایراد مسالک دیگر قرار نمیگیرد ؛

از نهایوند - احمد جعفریان

گردانندگان چرخهای مملکت مقصر اصلی هستند

کشوری میتواند دارای مطبوعات آموخته و سالم باشد که گردانندگان چرخهای آنها انسان واقعی یعنی با دین ، باوجدان ، باعدالت ، باعلم ، باایمان ، باکدامن ، بهمین دوست و خیرخواه باشند ، زیرا اگر متصدیان امور مملکتی دارای چنین صفاتی باشند مردم با اصول صحیح عقلی و منطقی و شعارهای مثبت و مفید و امیدوارند ، و قلمی مزبخر و صلاح ملت برسیباند ؛ برای روشن شدن مطلب مثالی در این باره میزنم :

در یک خانواده پدر و مادر که اعضای اصلی خانواده را تشکیل میدهند ، اگر افرادی بی فکر و مست و خمر و لالیق باشند و نتوانند آنطور که باید فرزندان خود را تربیت کنند ، و آنها را بحدائق زندگی آشنا سازند بطوریکه شاعر میفرماید :

بسر که ناخلف آندیدد ز ندجوتش بدو که ناخلف آند بسر چکار کند

معلوم است که دیگر انتظاری از چنین فرزندان نباید داشت ؛ بهمین ترتیب در یک مملکت اگر افرادی که در رأس کارها قرار گرفته اند نتوانند و یا بعللی نخواهند مردم در شاهراه ترقی و عظمت قرار گیرند ، و ملتی خوشبخت و سعادتمند باشند تفسیر مردم چیست در این میان امر اسود و جو و غاری از همه چیز که نمیتوان آنها را بشر نامید از موقعیت استفاده کرده چیزهاییکه نباید در میان مردم انتشار پیدا کند منتشر میکنند ، و بگمراهی و ضلالت مردم میافزایند .

آنوقت است که مدیران چرا بدمجلات هر چه بخواهند میبوسند و هر عکسی که از آن

کتاب علوم انسانی و مطالعات  
مجموع علوم انسانی

زیباتر دلخت تر و شہوت انگیز تر باشد چای میکند آنوقت است که نویسنده گان هم کتابهایی منلو از داستانهای عشقی و جنائی منتشر میکنند آنوقت است که هر گوشه مملکت پاک حکم میکند دو گوشه ای ده های بی غیر از همه چیز و همه جا پمناشپهای کذائی میریزند دو گوشه دیگر قتل و خونریزی و دزدک و شکار دیگر هترو بیچارگی گریسانگیر مردم میشود . آری سرچشمه تمام بدبختی های مردم و خیانت و نادستی از ادب است که کارهای مملکت را اداره میکنند .

محمد رضا حمیری - از شیراز

### هو دیو صفتی در بیان جرأت

یکی از علل نفاق مطبوعات اینست که گردانندگان کاری بفکر و نظریه مردم ندارند فقط منظرشان پر کردن جیب خود است از هر راه که باشد ، گامشود بواسطه سود پرستی ددموضوع ضمیمه دیگر در یک منحنه مشاهده میکنیم چنانکه در یکی از مجلات موضوعی جامع بعضا کلیه مشروبات الکلی و نظریات دانشمندان و اعیانه بزرگ و اثرات سوئی که بر روی کلیه و کبد ایجاد کند نوشته بود در صفحه دیگر این تبلیغ ناچهار : «آبجو تقلید نشان مصرف کنید» ، درج شده بود !

شما فکر کنید کیسکه بواسطه سود طلبی بفکر آبروی نشریه خود هم نیست چگونه میتوان از اوتوقع اوشاد مردم را داشت .

از طرفی دیگر بواسطه کمی معلومات اینها خیال میکنند فقط مطالب علمی باشند ، و با پر شدن صفحات مجله از داستانهای مبتذل و بیبوه و وظیفه بزرگ اجتماعی شود و انجام داده اند ، بای بواسطه مطبوعات و جرأت میشود یک اخلاق و ابد معالی بین پاک ملت جا بگیرد شود که امروزه جای آنها خالی است و منصفان مجلات ابتدا باین موضوع حیاتی توجه نداشتند . یکی دیگر از دلایل بی ارزشی مطبوعات اینست که بواسطه سبکی مطالب قیمت آنها در یک روز بطور سرسام آوری تنزل میکند مثلاً یک مجله که در روز انتشار ۱۵ ریال فروخته میشود یکی دو روز بعد قیمت آن به ۲ ریال تقلیل مییابد یعنی نومان ۷۰۰ تنزل میکند و حتی یعنی اوقات سروکار آنها بیک من ۲۶ ریال هم میرسد و بطور متوسط هر مجله ۱۲ ریالی به پنج شاهی بفروشد میرسد بالعکس هر کتاب پانشریه علمی و اخلاقی قبل از

انتشار قیمت آن از اتر است و پس از انتشار قیمت آن گرا تر میشود و سالیهای بعد اهمیت و ارزش آن مشهور میگردد و این دلیل بر عالی بودن مطالب آن کتاب است .  
مفیدترین بهترین راه برای مبارزه با مطبوعات ناسود و بازاری اینست که حتی المقدور آنها را نخوانیم و پول وقت را بیهوده تلف ننماییم .

از خرم آباد - سید فخرالدین

### «تقصیر واقعی چیست؟ آیا خیر از قوه مجریه است؟»

بعضی از آقایان محترم که در این باره بحث نموده اند معتقدند که تقصیر متوجه خدا است یعنی :

- ۱ - خواسته های مردم .
- ۲ - تقلید کور کورانه مطبوعات .
- ۳ - بی بندوباری قوه مجریه .

در صورتیکه يك خانوادہ اگر دادای سرپرست دلسوز و لایقی نباشد ، مسلم افراد آن انجام گسیخته شده بهر جا که بخواهند میروند و بهر کاری که تمایل پیدا کنند ، دروغ نمیکنند این امر بست طبیعی و قطعی ، مطبوعات فعلی ما هم بمنیه شبیه خوانواده و اجتماع بی سرپرستی است ، از هر مطبوعاتی تقلید میکند ، قانون اساسی را لگد کوب نموده هزاران اشکال و سو قبیحه و سایر نوشته های شهوت انگیز (که واقماً هر کدام از اینها ضربه های محکمی باخلافیات جوانان ما وارد آورده) بیجا با درج میکنند ، و آنوقت عنوان داستانها و مقاله های خود را ، اخلاقی ، اجتماعی . . . قرار میدهند ، امامو قبیحه انسان متن داستان و از آمد نظر میگذرانند ، می بینند داستان شهوت انگیزی بیش نیست ، و باین سبب عفت عمومی را چربچه دار میسازند .

پس باید منشأ انجام گسیختگی و تاخت و تالیی مورد بی اساس مطبوعات را پیدا کرد نویسنده معتقد است منشأ آن متوجه (قوه مجریه) و مقامات مسئول این امر مهم (مطبوعات) میباشد که مهار مطبوعات را بدست اشخاصی سپرده که بجز استفاده مادی طالب چیز دیگری نیستند . و چنان روح اخلاقیات را در جوانان و افراد این مملکت ضعیف نموده که محض حصری ندارد سیدانم چرا اینطور شده ؟ شاید بندوبستی با قوه مجریه داشته باشند ؛ خدا میداند .

شش گاه علوم انسانی و مطالعات  
سال جامع علوم انسانی